درگفت‌وگوی تفصیلی KHAMENEI.IR با رئیس جمهور منتخب مطرح شد:

معیارهای تشکیل کابینه

پا تند کرده بودیم و به سمت محل مصاحبه می‌رفتیم که یکی از اعضای گروه خبری گفت ،اینجا چقدر رئیس جمهور دست به دست شدن قدرت به خود دیده! گفتم خیلی زیاد هم نبوده و آقای پزشکیان نهمین آنهاست؛ اما در این دست به دست شدن ها، درس ها، عبرت ها و نشانه های زیادی است برای صاحبان اندیشه...

عقربه های ساعت حدود ده و نیم صبح را نشان می‌داد که روبه روی رئیس جمهور منتخب نشستیم و مصاحبه شروع شد. بی آلایشی، شاید اولین صفتی باشد که در برخورد با آقای دکتر پزشکیان به چشم می آید. مثل سال های گذشته و حتی دوران تبلیغات انتخاباتی، اینجا هم لابلای گفت‌وگو، از فرازهای متناسب قرآن و نهج البلاغه استفاده می کند. به برخی جزئیات حساس بود، مثلاً مصرف برق در همین ساختمان. چیزی که شاید در این سطح از نظر برخی افراد چندان مهم نباشد و بگویند رئیس جمهور کارها و دغدغه های مهم تری دارد؛ اما همین جزئیات است که یک کلیت را تشکیل می دهد. وقتی از فقر و مشکلات اقتصادی مردم حرف می زند، تلخی و ناراحتی را به راحتی می توان در چهره و کلامش حس کرد.

مصاحبه که تمام شد از رئیس جمهور منتخب خواستیم که سال آینده همین ایام بار دیگر مصاحبه‌ای با ایشان داشته باشیم. آقای پزشکیان قول داد و با خنده و شوخی گفت حرف زدن که کاری ندارد. گفتم البته سال دیگر یک سال از مسئولیت سخت و سنگین ریاست جمهوری گذشته و شاید به این راحتی هم نباشد.

آنچه می خوانید متن کامل گفت‌وگوی رسانه KHAMENEI.IR با آقای دکتر مسعود پزشکیان، رئیس جمهور منتخب است که روز پنج‌شنبه ۴ مردادماه ۱۴۰۳ و سه روز پیش از تنفیذ حکم ریاست جمهوری و آغاز به کار رسمی ایشان انجام شده است.

آقای دکتر پزشکیان! با توجّه به نگاه شما مبنی بر تعامل حداکثری با بخش های مختلف کشور برای پیشبرد امور و پیاده سازی سیاست های کلّی نظام و تأکیدی که اخیراً هم رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان داشتند بر همراهی و تعامل مجلس و دولت برای فرآیند تعیین کابینه، جنابعالی چه برنامه‌ای برای اجرائی کردن این همدلی و تعامل سازنده دارید؟

بسم الله الرّحمن الرّحیم. یکی از اصول صراط مستقیم همان وحدت و انسجام مسلمان ها است؛ شما به قرآن نگاه کنید: «وَ مَن یَعتَصِم بِاللهِ فَقَد هُدِیَ اِلی صِراطٍ مُستَقیم»؛ همان چیزی که هر روز در نماز از خدا می خواهیم که به صراط مستقیم هدایت شویم؛ این همان «وَاعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعاً وَلا تَفَرَّقوا» است. شما آیات را که نگاه می کنید، همیشه توصیه به این است که مسلمان ها وحدت داشته باشند و اختلاف «وَکُنتُم عَلیٰ شَفا حُفرَةٍ مِنَ النّارِ» است؛ یعنی انسان در لبه پرتگاه و آتش است. الان اگر جایی از کشورمان مشکلات و گرفتاری هایی دارد، به خاطر اختلافاتی است که به آن دامن می زنیم و افزایش می دهیم. باید دست از این اختلافات برداریم. ما نماز را اقامه می کنیم؛ «اقامه نماز» یعنی رفتن به طرف صراط مستقیم، یعنی «وَاعتَصِموا بِحَبلِ اللهِ جَمیعاً وَلا تَفَرَّقوا».

برای اینکه ما بتوانیم در معرّفی افراد کابینه به مجلس یک چنین کاری را بکنیم، قدم اوّل این بود که به تمام جریانات، گروه‌ها و شخصیّت های سیاسی اعلام کردیم که افراد مورد نظر خودشان را که می توانند به دولت کمک بکنند معرّفی کنند تا وفاق ملّی شکل بگیرد. توسّط هرکدام از این ها چه جریانات اصلاح طلب، اصولگرا و مستقل، و چه افراد و شخصیّت های سیاسی یک فهرست هایی ارائه شد و نهایتاً اینها در پالایش می شود تا به یک جمع بندی چهارپنج نفره برای هرجایگاه برسد. در آخر، طبیعتاً خدمت مقام معظّم رهبری خواهیم رفت و با هماهنگی و مشورت با ایشان به یک جمع بندی نهایی خواهیم رسید که این ها را با توانیم معرّفی کنیم.

به هرحال، این جمع بندی ای که دارد اتّفاق می افتد حاصل مجموعه ای است که از کلّ جریان ها و مدیران سیاسی کشور توانسته ایم به دست بیاوریم. حالا اینکه چقدر موفّق بشویم، دیگر باید صبر کنیم ببینیم کار به کجا خواهد رسید؛ چون این یک تجربه جدیدی است.

جناب آقای دکتر پزشکیان! برآوردتان این است که بعد از تنفیذ و تحلیف، تا چه مدّتی کابینه را به مجلس معرّفی خواهید کرد؟

آن جمع بندی هایی که گفتم، اگر انجام بشود، هرچه سریع تر تلاش خواهیم کرد خدمت رهبر انقلاب برویم و مشورت و هماهنگی نهایی را هم آنجا انجام بدهیم تا نهایتاً فهرستی را که از جمع بندی افراد معرّفی شده توسّط دولتی مختلف به دست آمده، ان شاءالله با تفاهم و رضایت کامل بتوانیم معرّفی کنیم.

یکی از ویژگی های مثبت حضرتعالی که در دوران رقابت های انتخاباتی هم این را مردم دیدند، پرهیز از ورود به حواشی و دامن نزدن به التهاب و آرام کردن فضا بود، به طوری که دیگران راهم از این مسائل نهی می کردید. با توجّه به شرایط حال حاضر و اینکه اداره کشور هم نیاز به یک آرامش و پرهیز از التهاب دارد، برنامه و نگاه شما در طول چهار سال پیش رو که سکّان اجرایی کشور را در دست دارید، برای حفظ این آرامش چیست و چه ملاحظاتی در این زمینه دارید؟

ما سیاست های کلّی مقام معظّم رهبری را داریم؛ حتّی در این مناظرات و انتخابات هم می گفتم این سیاست ها چراغ راهنمای مسیر است و هدف ما را مشخّص می کند. بعد از این، برنامه ای است که کارشناسان و عُقلا و مدیران و مسئولان ما در جهت آن سیاست ها باید بنویسند. طبیعتاً اگر ما این را بپذیریم و قانونی بنویسیم که در جهت سیاست های نظام باشد و خودمان را مسئول اجرای آن بدانیم و بعد بخواهیم در جهت آن حرکت بکنیم، اختلاف و دعوا بی معنی است؛ امّا اگر من از خودم یک قانونی یا یک جهت گیری دیگری را تعریف کنم که در جهت آن سیاست ها نباشد ـ حتّی اگر این حرف یا جهت گیری ای که من می خواهم ارائه بدهم خوب هم باشد ـ هرج ومرج می شود.

تازمانی که به یک تصمیم و یک هدف گیری نهایی نرسیده باشیم، می توانیم سلایق خودمان و افکار خودمان و جهت گیری های خودمان را داشته باشیم؛ امّا وقتی تبدیل به سیاست و قانون شد، اختلاف کردن و زیرمیز زدن و نپذیرفتن، چیزی جزهرج ومرج ایجاد نمی کند. من و دولتم و همه قوایی که وجود دارند اگر پایبند به آن سیاست ها بودیم و برنامه هایی که می نویسیم در جهت آن سیاست ها باشد، اختلاف یا تفرقه و دعوا کردن بی معنی است. اگر هم کسی بگوید یک مسیری بهتر از آن مسیر قانونی هست، آن را هم می شود با روش های علمی بررسی کرد؛ اگر مشاهدات علمی و مستندات مکتوب دانشگاهی و تجربه مشخّص منطقه ای در مورد آن پیشنهاد وجود داشته باشد که نشان دهد بهتر و توجیه موفّق تری است، باید ارائه بشود تا بپذیریم؛ حرف حق را باید پذیرفت.

جهت گیری کشور باید به سمت هدفی باشد که قرار بود در مملکت موفّق بشویم. قرار بود جهل و تبعیض و خلاف را در این مملکت حذف کنیم و یک جامعه ی انسانی درست بکنیم. در اقتصاد، قرار بود بهترین باشیم. قرار بود دانشگاه های ما الهام بخش، نوآور و خلّاق باشند. چیزهایی که در سیاست های کلّی هست، اهداف بسیار بالارزشی است. در نتیجه، هم مجلس، هم دولت، هم قوّه قضائیّه و نهادهای دیگر و سازمان های امنیّتی، همه باید دست به دست هم بدهیم تا به آن اهداف سیاست های کلّی برسیم. اگر به آن اهداف برسیم، دیگر فقر و بیکاری، جهل و خلاف و دزدی بی معنی خواهد شد.

وقتی هدف مان روشن است، این دیگر معنی ندارد که ما با هم دعوا کنیم؛ مگر اینکه ما نظرتان این باشد و بگوییم این راه را نرویم و راه دیگری را برویم، که خب مستند دلیلتان را باید بیاورید که چرا این راه بهتر است؛ آن وقت ما هم می پذیریم. اگر براساس حرف درست علمی با هم بنشینیم و بحث بکنیم، دیگر اختلاف کردن معنی ندارد.

ما در پزشکی یک بحثی داریم با عنوان «Evidence-based medicine»؛ یعنی «طبابت براساس شواهد». فرض کنید من یک استاد تمام دانشگاه هستم با چهل سال سابقه و موفّق هم باشم؛ در این صورت، روش هایی را برای معاینه، عمل یا درمان دارم و اجرا می کنم. اگر مستندات و تحقیقاتی که امروز شکل گرفته نشان بدهد یک روش هایی بهتر از روش من وجود دارد، آن وقت دیگر من نمی توانم بیایم بگویم «نه، من خودم تجربه کرده ام، این راه بهتر است». سند و دلایل و تحقیقات نشان می دهد این راهی که الان تازه به وجود آمده بهتر از راهی است که من می گویم؛ آن وقت دیگر من حق ندارم بگویم «نه، من خودم مثلاً استاد م، جرّاحم، تجربه دارم، چهل سال است که دارم این کار را می کنم و نتیجه گرفته ام»؛ دلایل و مستندات جهانی نشان می دهد این یکی روش تأثیرگذارتر است، کم هزینه تر است، باکیفیت تر است؛ خب باید بپذیریم.

تصمیم گیری، سیاست گذاری و هدف گذاری در مسائل کشور، فقط مبنا و ابزار علمی دارد. دلیلی ندارد وقتی حرف حقّی آمد، ما نپذیریم. در قرآن آیه‌ای هست که می گوید: «بَل کَذَّبوا بِما لَم یُحیطوا بِعِلمِهِ وَ لَمّا یَأتِهِم تَأویلُهُ کَذٰلِکَ کَذَّبَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم فَانظُر کَیفَ کانَ عاقِبَةُ الظّالِمین»؛ آیات خدا را تکذیب کردند، چون علمش را نداشتند، چون تأویل و تفسیرش را نمی دانستند. در گذشته هم آنهایی که آیات خدا را تکذیب کردند، همین گونه تکذیب کردند. و بعد، جالب است که در این آیه می گوید نگاه کن عاقبت ظالمان را که چگونه است؛ در حقیقت، یعنی ببین عاقبت نپذیرفتن راه درست و حرف حق را. اینکه یک روش و یک مسیر حق را که مستندات نشان می دهد این راه درست است، من نپذیرم، ظلم است؛ ظلم به جامعه‌ای است که مسئولیّتش را به عهده گرفته ام. «اَلَم یُؤخَذ عَلَیهِم مِیثاقُ الکِتابِ اَن لا یَقولوا عَلَی اللهِ اِلَّا الحَقَّ»؛ از همه انسان ها پیمان گرفته اند که جز حق، کار دیگری نکنند، «وَ الدّارُ الآخِرَةُ خَیرٌ لِلَّذینَ یَتَّقون». (۵)

آقای دکتر پزشکیان! یک اشاره‌ای کردید به از بین بردن فقر. می خواهم یک سؤالی درباره مسائل اقتصادی بپرسم. شما در دوران رقابت های انتخاباتی تأکید زیادی داشتید که حلّ مسائل و معضلات مردم و کشور اولویّت اصلی دولت شما خواهد بود، رهبر انقلاب هم بر این رویکرد مُهر تأیید زدند و به آن اعلام همراهی کردند. البتّه این مسئله قبل از انتخابات هم مورد تأکید رهبر انقلاب بود و بعد از انتخابات و پیروزی حضرتعالی هم مورد تأکید ایشان قرار گرفت. ایشان بعضی شاخص ها و معیارها را عنوان کردند و در دیدار نمایندگان مجلس هم در نکته هشتمی که معظّم‌له درباره معیارهای افراد کابینه فرمودند، از این عبارت استفاده کردند که چه کسی می خواهد میدان دار شود و میدان های اقتصادی، فرهنگی و مانند آن را به دست بگیرد. برای نیل به این هدف و تشکیل یک دولت کارآمد برای حلّ مشکلات و مسائل مردم، شما چطور می خواهید این معیارها و این نگاه را در کابینه و دولت خودتان پیاده سازی بفرمایید؟

مشکل ما الان در کشور این است که براساس ارتباطات دوستی و رفاقت و یا شاخص های ذهنی خودمان افراد را انتخاب می کنیم، ولی از نظر علمی شاخص هایی وجود دارد که شاید در ذهن ما نگنجد. ما گفتیم اساتید مدیریّت دانشگاهی یک سری شاخص هایی را برای اینکه بتوانیم این آدم ها را انتخاب بکنیم در بیاورند؛ یک سری شاخص را درآوردند که حتّی ما این شاخص ها را اعلام کردیم. بعد، به همه هم گفتیم هرکس نسبت به این شاخص ها مشکل دارد، اعلام کند تا اگر هم است، زیاد کند و اگر شاخص اشکال دارد، حذف شود. بالاخره، یک شاخص هایی را درآورده ایم.

البتّه ما باید دقیق تر شاخص ها را در بیاوریم که هرکسی نمره داد، تکرار پذیر باشد؛ یعنی این جور نباشد که من یک نمره صد بدهم، یکی بیاید نمره صفر بدهد. وقتی یکی صد می دهد، یکی صفر می دهد، یکی پنجاه می دهد، معلوم است هنوز آن اندازه گیری ها درست نیست که اگر درست باشد، همه باید یک جور نمره بدهند. مثلاً سال های خدمت، مثلاً اثرگذاری در کاری که انجام داده، مثلاً پاک دستی و نداشتن سابقه سوء؛ اینجا دیگر نمی شود کسی را که سابقه نداشته، یکی بگوید دارد، یکی بگوید ندارد؛ باید دلیل بیاورد که هست یا نه. در نتیجه، قدم اوّل این بود که شاخص در بیاوریم.

بحث دوّم این بود که به تمام کنشگران جامعه این شاخص ها را اعلام بکنیم و بگوییم شما افرادی را که می شناسید، طبق این شاخص که ما معرّفی کنید. قدم سوّم این بود که این افراد معرّفی شده را براساس شاخص ها پالایش کنیم و برایشان نمره بگذاریم. و بعد هم وقتی پالایش شد، نهایتاً مشورت و هماهنگی لازم را ما خدمت مقام معظّم رهبری انجام بدهیم تا بتوانیم به آن نهایتِ چیزی که دنبالش هستیم برسیم. اینکه به آن معیارها خواهیم رسید یا نه، هنوز کاملاً مطمئن نیستم؛ ولی ما تلاشمان را کردیم تا بتوانیم همه نظرات و جریان ها را براساس این شاخص ها بسنجیم و افراد مورد نظر را انتخاب کنیم تا بتوانیم کار را انجام بدهیم.

شاخص ها و اولویّت های عمومی تان برای انتخاب افراد پیشنهادی کابینه چه مواردی بوده است؟

پایبندی به قانون، صداقت، پاک دستی، راست گویی، حُسن شهرت، باور به سیاست های کلّی، باور به قانون برنامه و اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی. بالاخره فرد اگر پاک دست و صادق نباشد ـ که البتّه این موارد باز هم نسبی است ـ نمی توان او را انتخاب کرد. امیرالمؤمنین (علیه السّلام) به مالک می فرمایند: «وَلْیَکُنْ اَحَبُّ الْاُمُورِ اِلَیکَ اَوْسَطُهَا فِی الْحَقِّ وَ اَعَمُّهَا فِی الْعَدلِ وَ اَجمَعُهَا لِرِضَی الرَّعِیَّة»، می گویند ای مالک! وسط حق را در نظر بگیر، چون اگر خیلی بخواهی در آن دقیق و ریزبین بشوی، مصداقش را پیدا نخواهی کرد؛ اگر بخواهی عدل را مثل علی اجرا کنی، نمی توانی. لذا توصیه می کنند که شما بروید دنبال «اَعَمُّهَا فِی الْعَدلِ وَ اَجمَعُهَا لِرِضَی الرَّعِیَّة»؛ یعنی کاری که رضایت اکثریّت در آن باشد. اگر بخواهید حسّاسیّت به خرج بدهید، آدم معصوم پیدا نمی کنید.

امروز مسئله اقتصاد و معیشت در صدر مسائل اصلی کشور و مردم است. شما تیم اقتصادی شما برای اینکه فشار معیشتی را از روی مردم تا حدّی کم کنید و وضعیّت سفره خانوار ایرانی را بهبود بدهید، چه اولویّت ها و برنامه های اصلی و فوری و میان مدّتی را در نظر دارید؟

بببینید! من نسخه فوری برای یک چنین چیزی ندارم. حالا باید بنشینیم با کارشناس ها صحبت کنیم. آنچه فوری و ضروری است، اوّل رفع اختلافات، دست به دست هم دادن و با هم پیش رفتن است. در هر حرکتی که داریم، اگر آدم های قدرتمندی مقابل هم قرار بگیرند، یعنی هیچ حرکتی نمی کنیم. اگر شما بخواهید حرکت کنید و من جلوی شما را بگیرم، من بخواهم حرکت کنم و شما جلوی من را بگیرید، هرچقدر این اختلافات بیشتر باشد، نابسامانی و هرج ومرج خیلی بیشتر خواهد بود. در نتیجه، برای اینکه بتوانیم راه حل های علمی حلّ مشکلاتِ اجرایی را پیدا کنیم، اوّل باید در درون خودمان وحدت و انسجام ایجاد کنیم؛ باید زبان و نگاه مشترکی برای حلّ معضلات، بین کارشناسان، متخصّصین، سیاست گذاران، قانون نویسان، فرهنگیان و عالمان کشور داشته باشیم. کافی است با هم هماهنگ نباشد؛ در این صورت، هرروشی را بخواهید اجرا کنید دیگران ممکن است برایتان مشکل ایجاد کنند.

ما در کشور نارنجی انرژی داریم و در حال حاضر برای خرید بنزین، ۸۰ میلیارد دلار پول می دهیم؛ یعنی بنزین را مثلاً حدوداً ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می خریم، بعد ۱۵۰ تومان می فروشیم! خب تا کجا می توانیم این کار را بکنیم؟ مثال دیگر مصرف برق است. ما به اندازه کلّ اروپا مصرف انرژی، برق و امثال آن را داریم؛ این از نظر علمی کار درستی نیست. من به دوستان خودمان می گویم چرا همه چراغ های اینجا را روشن می کنید یا چرا کولرها را طوری تنظیم می کنید که محیط را خیلی خنک کنید. از آن طرف نمی توانیم به کارخانه هایمان برق بدهیم و از این طرف هرطوری که دلمان می خواهد، از برق، گاز و سایر منابع انرژی استفاده می کنیم. پس باید اوّل رفتار خودمان را در رابطه با این نوع انرژی هایی که در کشور ایجاد شده اصلاح کنیم. این با همدلی و هماهنگی امکان پذیر است. باید بپذیریم اگر برق، گاز، نفت، سوخت و سایر منابع انرژی را همین طور بدون حساب و کتاب هدر بدهیم، به ضرر همه ما است.

پس طبق آنچه شما می گویید، برای حلّ ناهماهنگی ها، تنش و التهاب خطّ قرمز دولتتان است.

اگر ما با هم هماهنگ باشیم و بپذیریم، به همدیگر کمک می کنیم. من اوّل خودمان را گفتم که مقدار برق و گازی که اینجا مصرف می کنیم استاندارد نیست.

یکی از همکاران شما گفتند چراغ های هالوژن این سالن، امروز برای اوّلین بار روشن شده است.

بله، برای اینکه محیطِ اینجا نور دارد. گاهی شما می بینید در یک سالن کنفرانس، دو نفر آدم می نشینند، با روشنایی کامل برق و سیستم سرمایش یا گرمایش کار می کنند! آن ها باید از خودشان بپرسند چرا این کار را می کنند. این کار از نظر علمی، اقتصادی، مدیریّتی، وضعیّت کشور و مملکت، غلط است. وقتی مشکل انرژی و اقتصادی داریم، نمی شود اینجا با خیال راحت از برق و گاز استفاده کنیم. برای اینکه بتوانیم به مردم خدمت کنیم، اوّل باید دست به دستِ هم بدهیم. شعر سعدی بسیار زیبا است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

همه ما در این کشور زندگی می کنیم و خیلی ها امروز در سختی هستند. من اینجا باید مراعات بکنم تا حدّاقل یک سهمی هم از منابع به آن ها برسد. این چیزی است که باید بپذیریم، دست به دستِ هم بدهیم و نگذاریم کسانی که در کشور ما زندگی می کنند در سختی باشند.

درست است که طیّ سالیان اخیر، اقتصاد مسئله اوّل کشور بوده و ذهن مدیران، سیاست گذاران و مردم کشور را به خود مشغول کرده است؛ امّا در کنار مسائل مهمّ اقتصادی، مسئله فرهنگ هم اهمّیّت فوق العاده‌ای دارد و رهبر انقلاب در سال های اخیر، در کنار اقتصاد، بر مسئله فرهنگ نیز تأکید داشته اند. برای آخرین سؤال می خواهیم بدانیم با تمام مسائل و فوریّت های کشور از قبیل اقتصاد، اولویّت ها و جهت گیری دولت خودتان در حوزه فرهنگ را چگونه تعریف می کنید؟

بببینید! اصلاً مشکل فرهنگ، ما هستیم؛ ما هاکه داریم فرهنگ را تبلیغ می کنیم. «مَن نَصَبَ نَفسَهُ لِلنّاسِ اِماماً فَلیَبدَأ بِتَعلیمِ نَفسِهِ قَبلَ تَعلیمِ غَیرِهِ وَلیَکُن تَأدیبُهُ بِسیرَتِهِ قَبلَ تَأدیبِهِ بِلِسانِهِ وَمُعَلِّمُ نَفسِهِ وَمُؤَدِّبُها اَحَقُّ بِالاِجلالِ مِن مُعَلِّمِ النّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِم». من به عنوان مدیر، کارشناس یا مسئول دینی، وقتی می خواهم رفتار، اخلاق و صفتی از انسانیّت را به کسی بیاموزم، اوّل باید انسانیّت و اخلاق در وجود خودم نهادینه شده باشد. یک آدم بداخلاق نمی تواند به یک فرد دیگر بگوید تو چرا این طور هستی؛ آدمی که رحم در دلش نیست، نمی تواند به دیگری بگوید رحم داشته باش. مانمازگه می خوانیم، می گوییم: «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ *اَلحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ* اَلرَّحمٰنِ الرَّحیم»؛ این عبارات را هرروز در نماز تکرار می کنیم، ولی رحم و مروّت در وجود ما نهادینه نیست، برخورد ما با طرف مقابل براساس نگاه صحیح نیست. در نتیجه، اگر قرار است فرهنگ درست شود، باید از خودمان شروع کنیم. خداوند در قرآن به رسول الله (صلّی الله علیه و آله و سلّم) می فرماید: «فَبِما رَحمَةٍ مِنَ اللهِ لِنتَ لَهُم وَ لَو کُنتَ فَظًّا غَلیظَ القَلبِ لَانفَضّوا مِن حَولِک»؛ این حرف امثال من نیست، کلام خداوند است و شک و شبهه‌ای در آن نیست؛ وحی است. خداوند به رسولش می فرماید اگر بداخلاق بودی، کسی اطراف تو جمع نمی شد. دیگر حرف ما که جایگاهش مشخّص است؛ آن وقت دستور می دهیم و با بداخلاقی آن را ارائه می دهیم! خب مردم این را از ما نمی پذیرند. اوّلاً معلوم نیست حرفی که من می زنم درست است یا غلط؛ ثانیاً وقتی قرآن می فرماید «اُدعُ اِلیٰ سَبیلِ رَبِّکَ بِالحِکمَةِ وَ المَوعِظَةِ الحَسَنَةِ وَ جادِلهُم بِالَّتی هِیَ اَحسَن»، (۱۰) پس چرا روش ما به گونه‌ای است که طرف مقابل از رفتارمان متنفّر می شود؟ «وَ لا تَستَوِی الحَسَنَةُ وَ لا السَّیِّئَةُ ادفَع بِالَّتی هِیَ اَحسَنُ فَاِذَا الَّذی بَینَکَ وَ بَینَهُ عَداوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمیم»؛ خوبی و بدی مثل هم نیست؛ با سخ بدی را با بدی نمی دهند؛ می گوید بدی ها را با خوبی جواب بده‌ید؛ با آدمی که با شما دشمن است، «وَلِیٌّ حَمیم» باشید، انگار که او دوست نزدیک و صمیمی شما است.

پس در مسئله فرهنگ، اوّل باید خودمان را درست کنیم. لازم نیست به دیگران خرده بگیریم؛ اوّل به خودمان خرده بگیریم. اگر من آدم درستی باشم و اخلاق درستی داشته باشم، اگر دلسوز مردم باشم و مردم این را بفهمند که من دلسوزان ها هستم، دیگر امکان ندارد مردم من را دوست نداشته باشند و از اخلاق و رفتار من الگو نگیرند؛ ولی رفتار و برخورد ما به گونه‌ای است که وقتی مردم آن را نگاه می کنند، بدشان می آید. آن وقت چرا باید مثل ما بشوند؟ چرا خودشان را شبیه ما بکنند؟ در نتیجه، در رابطه با فرهنگ، بیشتر باید به خودمان برسیم تا اینکه به دیگران خرده بگیریم. «دَاوُکَ فیکَ وَمَا تَشعُرُ وَدَاؤُکَ مِنکَ وَمَا تُبصِر»؛ درد خودمانیم، درمان هم خودمانیم.

وبرنامه های اصلی و فوری و میان مدّتی را در نظر دارید؟

ببینید! من نسخه فوری برای یک چنین چیزی ندارم. حالا باید بنشینیم با کارشناس ها صحبت کنیم. آنچه فوری و ضروری است، اوّل رفع اختلافات، دست به دستِ هم دادن و با هم پیش رفتن است. در هر حرکتی که داریم، اگر آدم های قدرتمندی مقابل هم قرار بگیرند، یعنی هیچ حرکتی نمی کنیم. اگر شما بخواهید حرکت کنید و من جلوی شما را بگیرم، من بخواهم حرکت کنم و شما جلوی من را بگیرید، هرچقدر این اختلافات بیشتر باشد، نابسامانی و هرج ومرج خیلی بیشتر خواهد بود. در نتیجه، برای اینکه بتوانیم راه حل های علمی حلّ مشکلاتِ اجرایی را پیدا کنیم، اوّل باید در درون خودمان وحدت و انسجام ایجاد کنیم؛ باید زبان و نگاه مشترکی برای حلّ معضلات، بین کارشناسان، متخصّصین، سیاست گذاران، قانون نویسان، فرهنگیان و عالمان کشور داشته باشیم. کافی است با هم هماهنگ نباشد؛ در این صورت، هرروشی را بخواهید اجرا کنید دیگران ممکن است برایتان مشکل ایجاد کنند.

مادر کشور نارنجی انرژی داریم و در حال حاضر برای خرید بنزین، ۸۰ میلیارد دلار پول می دهیم؛ یعنی بنزین را مثلاً حدوداً ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می خریم، بعد ۱۵۰ تومان می فروشیم! خب تا کجا می توانیم این کار را بکنیم؟ مثال دیگر مصرف برق است. ما به اندازه کلّ اروپا مصرف انرژی، برق و امثال آن را داریم؛ این از نظر علمی کار درستی نیست. من به دوستان خودمان می گویم چرا همه چراغ های اینجا را روشن می کنید یا چرا کولرها را طوری تنظیم می کنید که محیط را خیلی خنک کنید. از آن طرف نمی توانیم به کارخانه هایمان برق بدهیم و از این طرف هرطوری که دلمان می خواهد، از برق، گاز و سایر منابع انرژی استفاده می کنیم. پس باید اوّل رفتار خودمان را در رابطه با این نوع انرژی هایی که در کشور ایجاد شده اصلاح کنیم. این با همدلی و هماهنگی امکان پذیر است. باید بپذیریم اگر برق، گاز، نفت، سوخت و سایر منابع انرژی را همین طور بدون حساب و کتاب هدر بدهیم، به ضرر همه ما است.

پس طبق آنچه شما می گویید، برای حلّ ناهماهنگی ها، تنش و التهاب خطّ قرمز دولتتان است.

اگر ما با هم هماهنگ باشیم و بپذیریم، به همدیگر کمک می کنیم. من اوّل خودمان را گفتم که مقدار برق و گازی که اینجا مصرف می کنیم استاندارد نیست.

یکی از همکاران شما گفتند چراغ های هالوژن این سالن، امروز برای اوّلین بار روشن شده است.

بله، برای اینکه محیطِ اینجا نور دارد. گاهی شما می بینید در یک سالن کنفرانس، دو نفر آدم می نشینند، با روشنایی کامل برق و سیستم سرمایش یا گرمایش کار می کنند! آن ها باید از خودشان بپرسند چرا این کار را می کنند. این کار از نظر علمی، اقتصادی، مدیریّتی، وضعیّت کشور و مملکت، غلط است. وقتی مشکل انرژی و اقتصادی داریم، نمی شود اینجا با خیال راحت از برق و گاز استفاده کنیم. برای اینکه بتوانیم به مردم خدمت کنیم، اوّل باید دست به دستِ هم بدهیم. شعر سعدی بسیار زیبا است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی

همه ما در این کشور زندگی می کنیم و خیلی ها امروز در سختی هستند. من اینجا باید مراعات بکنم تا حدّاقل یک سهمی هم از منابع به آن ها برسد. این چیزی است که باید بپذیریم، دست به دستِ هم بدهیم و نگذاریم کسانی که در کشور ما زندگی می کنند در سختی باشند.

درست است که طیّ سالیان اخیر، اقتصاد مسئله اوّل کشور بوده و ذهن مدیران، سیاست گذاران و مردم کشور را به خود مشغول کرده است؛ امّا در کنار مسائل مهمّ اقتصادی، مسئله فرهنگ هم اهمّیّت فوق العاده‌ای دارد و رهبر انقلاب در سال های اخیر، در کنار اقتصاد، بر مسئله فرهنگ نیز تأکید داشته اند. برای آخرین سؤال می خواهیم بدانیم با تمام مسائل و فوریّت های کشور از قبیل اقتصاد، اولویّت ها و جهت گیری دولت خودتان در حوزه فرهنگ را چگونه تعریف می کنید؟

بببینید! اصلاً مشکل فرهنگ، ما هستیم؛ ما هاکه داریم فرهنگ را تبلیغ می کنیم. «مَن نَصَبَ نَفسَهُ لِلنّاسِ اِماماً فَلیَبدَأ بِتَعلیمِ نَفسِهِ قَبلَ تَعلیمِ غَیرِهِ وَلیَکُن تَأدیبُهُ بِسیرَتِهِ قَبلَ تَأدیبِهِ بِلِسانِهِ وَمُعَلِّمُ نَفسِهِ وَمُؤَدِّبُها اَحَقُّ بِالاِجلالِ مِن مُعَلِّمِ النّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِم». من به عنوان مدیر، کارشناس یا مسئول دینی، وقتی می خواهم رفتار، اخلاق و صفتی از انسانیّت را به کسی بیاموزم، اوّل باید انسانیّت و اخلاق در وجود خودم نهادینه شده باشد. یک آدم بداخلاق نمی تواند به یک فرد دیگر بگوید تو چرا این طور هستی؛ آدمی که رحم در دلش نیست، نمی تواند به دیگری بگوید رحم داشته باش. مانمازگه می خوانیم، می گوییم: «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ *اَلحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ* اَلرَّحمٰنِ الرَّحیم»؛ این عبارات را هرروز در نماز تکرار می کنیم، ولی رحم و مروّت در وجود ما نهادینه نیست، برخورد ما با طرف مقابل براساس نگاه صحیح نیست. در نتیجه، اگر قرار است فرهنگ درست شود، باید از خودمان شروع کنیم. خداوند در قرآن به رسول الله (صلّی الله علیه و آله و سلّم) می فرماید: «فَبِما رَحمَةٍ مِنَ اللهِ لِنتَ لَهُم وَ لَو کُنتَ فَظًّا غَلیظَ القَلبِ لَانفَضّوا مِن حَولِک»؛ این حرف امثال من نیست، کلام خداوند است و شک و شبهه‌ای در آن نیست؛ وحی است. خداوند به رسولش می فرماید اگر بداخلاق بودی، کسی اطراف تو جمع نمی شد. دیگر حرف ما که جایگاهش مشخّص است؛ آن وقت دستور می دهیم و با بداخلاقی آن را ارائه می دهیم! خب مردم این را از ما نمی پذیرند. اوّلاً معلوم نیست حرفی که من می زنم درست است یا غلط؛ ثانیاً وقتی قرآن می فرماید «اُدعُ اِلیٰ سَبیلِ رَبِّکَ بِالحِکمَةِ وَ المَوعِظَةِ الحَسَنَةِ وَ جادِلهُم بِالَّتی هِیَ اَحسَن»، (۱۰) پس چرا روش ما به گونه‌ای است که طرف مقابل از رفتارمان متنفّر می شود؟ «وَ لا تَستَوِی الحَسَنَةُ وَ لا السَّیِّئَةُ ادفَع بِالَّتی هِیَ اَحسَنُ فَاِذَا الَّذی بَینَکَ وَ بَینَهُ عَداوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمیم»؛ خوبی و بدی مثل هم نیست؛ با سخ بدی را با بدی نمی دهند؛ می گوید بدی ها را با خوبی جواب بده‌ید؛ با آدمی که با شما دشمن است، «وَلِیٌّ حَمیم» باشید، انگار که او دوست نزدیک و صمیمی شما است.

پس در مسئله فرهنگ، اوّل باید خودمان را درست کنیم. لازم نیست به دیگران خرده بگیریم؛ اوّل به خودمان خرده بگیریم. اگر من آدم درستی باشم و اخلاق درستی داشته باشم، اگر دلسوز مردم باشم و مردم این را بفهمند که من دلسوزان ها هستم، دیگر امکان ندارد مردم من را دوست نداشته باشند و از اخلاق و رفتار من الگو نگیرند؛ ولی رفتار و برخورد ما به گونه‌ای است که وقتی مردم آن را نگاه می کنند، بدشان می آید. آن وقت چرا باید مثل ما بشوند؟ چرا خودشان را شبیه ما بکنند؟ در نتیجه، در رابطه با فرهنگ، بیشتر باید به خودمان برسیم تا اینکه به دیگران خرده بگیریم. «دَاوُکَ فیکَ وَمَا تَشعُرُ وَدَاؤُکَ مِنکَ وَمَا تُبصِر»؛ درد خودمانیم، درمان هم خودمانیم.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت تعاونی سهام عدالت شهرستان ارومیه شرکت تعاونی سهام عدالت شهرستان ارومیه به شماره ثبت ۸۰۲۶

بنا به تصویب هیات مدیره جلسه مرحله اول مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت تعاونی سهام عدالت شهرستان ارومیه وفق مقررات ماده ۹ دستورالعمل نحوه تشکیل مجامع عمومی دومرحله ای برای انتخاب نمایندگان اعضا جهت حضور در مرحله دوم برای تصمیم گیری درخصوص دستور جلسات به شرح زیر راس ساعت روز تاریخ مقرر در کلیه حوزه های انتخابی برگزار می گردد. از عموم سهامداران و اعضا محترم دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم راجع به